

چشم انداز اقتصاد در سال ۱۳۸۱

تهیه کننده: اشرف محمدنیا

بر چگونگی تعیین نرخ تورم جویا شده است. آنچه در ادامه می خوانید، پاسخ این عزیزان به پرسش زیر است: نظر شما درباره آثار تورمی یکسان سازی نرخ ارز و افزایش ۴۵/۵ درصدی بودجه سال ۸۱ نسبت به سال گذشته و تصمیم راجع به انتشار اسکناس های جدید چیست؟

نرخ بازار، مهمترین تصمیم دولت طی سال های اخیر بوده است که تمام فعالیت های اقتصادی کشور را تحت الشعاع قرار داده و مسلماً آثاری را به همراه خواهد داشت. ماهنامه بانک و اقتصاد نظریات برخی از کارشناسان اقتصاد را در مورد تأثیر این سیاست

صاحب نظران اقتصادی معتقدند که لایحه بودجه سال ۸۱ با لوایح سال های گذشته متفاوت بوده و تحولات متعددی را در اقتصاد کشور به همراه خواهد داشت. سیاست یکسان سازی نرخ ارز و استفاده از نرخ تقریباً واقعی و نزدیک به



دکتر محمد ضیایی بیگدلی، استاد مؤسسه عالی بانکداری:

نرخ ارز معلول اقتصاد است، نه علت تغییر و تحولات

ارز در کشور مواجهیم و ارز موجود در کشور جوابگوی فعالیت های اقتصادی نیست. دولت هم باید به نوعی این کمبود را در جامعه جبران کند. اما اگر قرار باشد که برای تأمین ریال برابر نرخ ارز اسکناس چاپ کنند، این اقدام آثار سویی در اقتصاد کشور خواهد داشت و تأمین بودجه از طریق چاپ اسکناس اقدام درستی نیست. اصولاً خلق پول در جامعه مصرف را بالا می برد. بنابراین، دولت باید تلاش خود را به کم کردن و کنترل نقدینگی کشور معطوف کند تا آثار انقباضی درستی داشته باشد. در غیر این صورت و در صورت عدم توجه به عرضه و تقاضای ارز مورد نیاز در جامعه، چنین اقداماتی موجب تشدید تورم در جامعه می شود.

اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز موجب شفاف ساختن بودجه کشور، رقابتی شدن، افزایش فعالیت های تولیدی، بهبود واردات و کاهش رانت جویی های موجود در بازار می شود، اما تحقق این اهداف نیاز به زمان سه تا پنج ساله دارد و اصولاً تغییرات ناشی از اجرای این سیاست تدریجی است. اقتصاد کشور ما، اقتصاد بازرگانی است و نرخ ارز موجب تعیین میزان عرضه و تقاضا در کشور است. هرچه نرخ ارز در اقتصاد کشور افزایش یابد، ارزش ریالی ارز در جامعه کم می شود و هر چه قیمت ارز کاهش یابد، ارزش ریالی آن افزایش می یابد. اصولاً نرخ ارز معلول اقتصاد است، نه علت تغییر و تحولات. در حال حاضر، کشور ما با محدودیت ارزی ۱۲-۱۳ میلیارد دلاری روبرو است و ما با تقاضای زیاد

▲ ضیایی بیگدلی: دولت باید نقدینگی را کنترل کند، وگرنه...

سید احمد نخجوانی، کارشناس ارشد اقتصادی:

دولت باید به جای افزایش مخارج خود، زمینه های

سرمایه گذاری بخش خصوصی را فراهم آورد

من برخلاف بسیاری که تصور می کنند تورم در ایران ریشه پولی دارد، بر این باورم که تورم در ایران ناشی از رشد نقدینگی نیست. گواه این ادعا هم تحقیقات مختلفی است که تا به حال و به صورت های گوناگونی صورت گرفته است، چه آن که

برای پیش بینی آن که افزایش نقدینگی و افزایش چشمگیر بودجه تا چه حدی می تواند موجب تورم شود، می باید ابتدا این نکته مشخص شود که تورم در کشور تا چه حدی ریشه پولی دارد و تا چه اندازه ای تابع فشار تقاضاست؟



▲ سید احمد نخجوانی: تورم در ایران ناشی از رشد نقدینگی نیست.

اقتصادی کشور، همچون کشاورزی و صنعت هدایت کند.

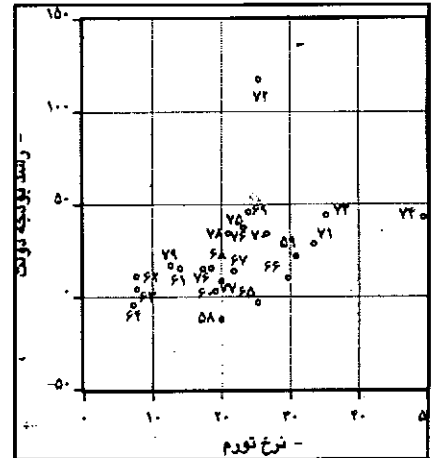
به هر حال، تجربه اقتصاد ایران و معادلات اقتصاد سنجی تخمین زده شده نشان می‌دهد که چنین افزایشی در مخارج دولت همیشه با تورمی بیش از ۲۰ درصد همراه بوده است. بنابراین، اگر چه تثبیت نرخ ارز که خود مرهون افزایش درآمدهای نفتی و رکود صنایع و بازار داخلی در کشور است، تا حدی تورم را تلطیف خواهد کرد، اما به هر صورت، نرخ تورم کمتر از ۱۰ درصد کمی خوشبینانه است.

افزون بر همه این مطالب، باید نگران کاهش درآمدهای نفتی کشور بود، زیرا در چنین حالتی، از یک سو، مهار نرخ ارز مشکل خواهد شد و از سوی دیگر، ثبات نسبی هزینه‌های دولت و کاهش تولید بخش‌های اقتصادی (که ارتباط آن با درآمدهای نفتی بارها تجربه شده است) می‌تواند به تشدید تورم رکوردی منجر شود.

با این توضیحات مختصر، به نظر می‌رسد که دولت باید تلاش کند تا به جای آن که مخارج خود را این چنین افزایش دهد، زمینه افزایش مخارج بخش خصوصی جامعه و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را فراهم آورد. این کار نیز با اعمال سیاست‌های طرف عرضه اقتصاد امکان‌پذیر است که خوشبختانه نمونه آن را می‌توان در اصلاح قانون مالیاتی کشور یافت.

می‌تواند حتی به تورم فشار هزینه نیز منجر گردد، زیرا افزایش مخارج دولت، بسیاری از امکانات تولیدی و سرمایه‌های جامعه را متوجه خود می‌کند و با بالا بردن تورم منابع تولید، موجب بالا رفتن هزینه‌های تولید بخش خصوصی می‌شود. این اتفاق که در ادبیات اقتصادی به بیرون راندن بخش خصوصی یا Crowding Out معروف است، زمانی تشدید می‌شود که نقدینگی تحت کنترل باشد یا حجم آن به هر دلیل کاهش داده شود. در چنین صورتی، هزینه تأمین منابع سرمایه‌ای برای بخش خصوصی بالا خواهد رفت و منابع در دسترس این بخش، نصیب دولت می‌شود. بدین ترتیب، نوک تیز حمله اجرای همزمان سیاست‌های انبساطی مالی و انقباضی پولی به سوی بخش خصوصی است و به همین دلیل، باید به دولت توصیه شود که از کنترل بیش از حد معمول نقدینگی در جامعه خودداری کرده و با اجرای سیاست‌هایی تلاش کند که دسترسی بخش خصوصی به نقدینگی تسهیل شود، حال آن که اگر دولت بر این عقیده است که افزایش نقدینگی در جامعه به تورم منجر خواهد شد، به جای اعمال سیاست‌های کمی پولی، می‌تواند با مصلحت‌اندیشی‌های خود، تمرکز نقدینگی را در اقتصاد هدف قرار دهد و آن را از فعالیت‌های تورم‌زا و غیرمولد جامعه به سوی فعالیت‌های ضروری

بررسی‌ها نشان می‌دهد که حجم واقعی نقدینگی (یا نقدینگی تورم زده) در دو دهه اخیر کاهش هم یافته است. با این توضیحات، به نظر می‌رسد که اگر قرار باشد رشد نقدینگی افزایش یابد - که آن هم به درستی قابل پیش‌بینی نیست - تورم پولی رخ نخواهد داد. اما به هر حال، تجربه دو دهه گذشته نشان می‌دهد که ارتباط و همراهی زیادی میان رشد مخارج دولت و تورم در کشور وجود داشته که این پدیده را می‌توان در این نمودار پراکنش مشاهده کرد.



صرف نظر از آن که افزایش بودجه دولت، از جانب تقاضا در کشور، موجب افزایش تورم می‌شود،

یونس سام دلیری، کارشناس ارشد اقتصادی:

نرخ ارز باید براساس عرضه و تقاضا تعیین شود



▲ یونس سام دلیری: چاپ اسکناس‌های جدید موجب افزایش نرخ تورم و سطح عمومی قیمت‌ها خواهد شد.

پایه پولی در نظام بانکی می‌شود و این خود مطلبی در خور تأمل است، زیرا طبیعتاً این اقدام موجب افزایش تورم می‌شود و به نظر می‌رسد آن چیزی که در بودجه سال ۸۱ کل کشور برای نرخ تورم پیش‌بینی شده، در حدود ۱۴-۱۲ درصد باشد، اما مطالعات انجام شده توسط برخی از صاحب‌نظران بقیه در صفحه ۵۵

نیز - به هر دلیل - موجب اتلاف منابع، رواج رانت‌جویی، انحصار و... می‌شود.

نرخ ارز باید به دور از حاشیه‌پردازی و مسایل سیاسی و صرفاً براساس عرضه و تقاضا تعیین شود. به عبارت دیگر، تعیین نرخ ارز باید از استدلال‌های غیرمنطقی و غیراصولی مانند ضرورت پوشش کسری بودجه، یا ضرورت پرداختن بدهی‌های دولت به سیستم بانکی از طریق کاهش ارزش پول ملی و غیره به دور باشد.

در همین جا باید به موضوع چاپ اسکناس‌های جدید ۲۰۰۰۰ ریالی هم اشاره کرد. به نظر می‌رسد که این اقدام در کاهش ارزش پول بی‌تأثیر نباشد و قطعاً نتیجه آن هم افزایش نرخ تورم و سطح عمومی قیمت‌ها خواهد بود.

یکی از مشکلات عمده در خصوص یکسان‌سازی نرخ ارز این است که منظور کردن نرخ دلار در بودجه سال ۸۱ کل کشور به مأخذ ۲۹۲۰ ریال موجب افزایش حجم پول و در نهایت، افزایش

پیچیدگی‌ها و انعطاف‌ناپذیری نظام بودجه در سال‌های گذشته موجب شد که دولت برای شفاف‌تر کردن بودجه سال ۸۱ اصلاحاتی را در ساختار بودجه انجام دهد و در این اصلاحات، دولت اهدافی را نیز در مد نظر داشت:

- تسهیل کنترل و نظارت بر بودجه برای افزایش پاسخگویی مقاماتی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند.

- کمک به تعیین اولویت‌های راهبردی در بخش‌های اصلی بودجه.

- تخصیص کارآمد منابع در سطح بخش‌ها.

- حمایت از قدرت خرید مردم و اهتمام در جهت هدفمند کردن یارانه برای استقرار نظام عادلانه تأمین اجتماعی و شبکه‌هایی از خانوارهای کم درآمد و بالاخره، سیاست یکسان‌سازی که از جمله مهمترین این تصمیمات بود.

آنچه مسلم است، افزایش تصنعی نرخ ارز در بلندمدت مشکلاتی را در پی دارد و کاهش نرخ ارز